

چگونگی انتقاد از نوجوانان

از ویژگیهای عمده نوجوانی کسب شخصیت (تشخص طلبی) است. بطور کلی شخصیت جنبه بیرونی و اکتسابی دارد، در حالیکه منش جنبه ذاتی و درونی.

برای رسیدن به مرحله کسب شخصیت باید دو اصل حاصل شود:

(۱) کسب مهارتها و توانمندیهای خاص در برخورد با دیگران

(۲) پذیرفته شدن این مهارتها از سوی پدر و مادر و اطرافیان

برخی نوجوانان مرحله اول را طی می کنند ولی اگر خانواده و اطرافیان و مراجع قدرت او را نپذیرفتند، دچار عدم تعادل روانی می شود.

در جهت کسب شخصیت باید از دو راه به نوجوان کمک کرد:

* روش کسب مهارتها و توانائیها را بیاموزد.

* به زبان و رفتار به او بفهمانیم که او را پذیرفته و درک کرده ایم و شخصیت او قابل پذیرش و احترام است و ما او را به عنوان یک انسان در حال کمال قبول داریم.

در انتقاد از نوجوان دقت کنیم که تمام شخصیت آنها را مورد حمله قرار ندهیم و تنها آن قسمتی را مورد سؤال قرار دهیم که نتوانسته مسئولیت خود را به خوبی انجام دهد. هرگز نباید به نوجوان بگوئیم: تو لیاقت نداری و به درد هیچ کاری نمی خوری! زیرا با این جمله تمام حیطه وسیع شخصیت او را مورد حمله قرار داده ایم. روی هم رفته، **هر انسان دارای نقاط مثبت و منفی شخصیتی است و برای مطرح کردن انتقاد بهتر است نخست چند نقطه مثبت او را متذکر شویم سپس اشاره به نقطه منفی نمائیم.**

اگر ناگهان و بدون مقدمه شروع به انتقاد کنیم و این انتقاد را به تمام شخصیت نوجوان گسترش دهیم انتقادمان ویرانگر و مخرب خواهد بود.

آلپورت می نویسد: انتقاد از دیگران در حکم جراحی شخصیت است.

جراح روانی کسی است که از ویژگیهای روانی نوجوانان کاملاً آگاهی دارد و روش صحیح انتقاد را می داند. تشویق به جا و انتقاد صحیح و درست می تواند انسان را متحول نماید.

برای مرحله دوم یعنی پذیرش شخصیت از طرف پدر و مادر و اطرافیان چه کنیم؟

می توان با **زبان** این پذیرش را در نزد دوستان و اقوام و خانواده بیان کرد.

همچنین، می توانیم با **عمل** به او ثابت کنیم که شخصیت او را پذیرفته ایم، برای رسیدن به این هدف باید او را به عنوان مشاور در خانواده به خودمان نزدیک کنیم.

حضرت پیامبراکرم (ص) فرمودند: پس از ۱۴ سالگی با فرزندان مشورت کنید.

باید در مسائل مختلف نظر نوجوان را پرسید و نباید فکر کرد که در اثر مشورت، نوجوان گستاخ می شود.

نوجوانان ثابت کرده اند که اگر به آنان اعتماد کنیم، برای حفظ اعتماد و تقویت آن دست به هر کاری می زنند که خودشان را شایسته نشان دهند.

حضرت علی (ع) با عبارت زیبایی در این زمینه رابطه تکریم شخصیت و غلبه بر گناهان را بیان فرموده اند: کسی که شخصیتش مورد احترام دیگران قرار گرفت، لغزشها و شهوتها در نظرش بی ارزش می شوند.

« دومین ویژگی دوره نوجوانی، استقلال طلبی نوجوانان است »

نوجوانان به دلیل اینکه خودشان را در آستانه یک انسان کامل شدن می بینند، علاقه به کسب استقلال در زندگی دارند.

این استقلال از نظر اقتصادی و مالی مطرح می شود. نوجوانان می خواهند برای خودشان درآمدی هرچند اندک داشته باشند. این علاقه به تملک و استقلال نسبی با خصوصیات نوجوانان کاملاً هماهنگ است. کسی که ظرف دو و سه سال آینده وارد اجتماع خواهد شد و نقش یک فرد بالغ را ایفاء خواهد کرد باید خودش را برای این جهش آماده کند.

نوجوان می بیند که بزودی از خانواده جدا می شود و بنابراین باید درآمد نسبی برای خودش داشته باشد تا بتواند قطع وابستگی از خانواده کند و در ضمن بتواند لیاقت خود را ثابت کند. این مسائل باعث نگرانی نوجوان در این دوره می شود که آیا من می توانم بدون وابستگی به خانواده زندگی کنم؟

از این رو استقلال نسبی که نوجوان با تمام علاقه به دنبال آن می رود، شامل عدم دخالت پدر و مادر در کلیه مسائل نوجوان می شود. یعنی نوجوان اگر احساس کند، شما در تمام مسائل او دخالت می کنید در مقابل شما جبهه گیری می کند و عکس العمل منفی نشان می دهد و رنجیده خاطر می گردد. برخورد صحیح با نوجوان این نیست که ما در تمام مسائل او دخالت کنیم.

برخی از مسیرهای زندگی در فردای نوجوان چنان تاثیرگذار است که اگر به نوجوان کمک نکنیم و او را کنترل ننمائیم، اثرات سقوط بسیار خطرناک و غیرقابل جبران خواهد بود. ولی برخی مسیرهای زندگی هموارتر است که در آن باید به کنترل دورادور نوجوان اکتفا کرد و اجازه داد خودش طی طریق کند. سپس یک حالت متناوب از نظارت و آزادی دادن به نوجوان باید در زندگیش باشد.